



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۹/۱۷

دوکتور نوراحمد خالدي

مفاهيم دولت، حکومت و حاکمیت

پېشگفتار

درک هر نظام سیاسی، نیازمند شناخت دقیق مفاهیم بنیادینی است که ستون فقرات آن نظام را تشکیل می‌دهند. «دولت»، «حکومت» و «حاکمیت» سه مفهوم کلیدی در علم سیاست و حقوق اساسی هستند که متأسفانه در گفتارهای عمومی و حتی برخی متون تخصصی، به اشتباه به جای یکدیگر به کار می‌روند (خالدي، تاریخ مستند افغانستان، ج ۲، فصل چهارم، ص ۸۸). این خلط مفاهیم، نه تنها به درک نادرست از ساختار قدرت می‌انجامد، بلکه امکان ارزیابی دقیق کارآمدی نظام‌های سیاسی را نیز از میان می‌برد.

برای نمونه، در تاریخ معاصر افغانستان، هرگاه از «سقوط دولت» سخن به میان می‌آید (مانند سقوط جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۱)، در حقیقت مراد «سقوط حکومت» (یعنی نظام اجرایی موجود) است، نه «از میان رفتن دولت» به عنوان یک نهاد حقوقی پایدار. این تمایز، از آن رو اهمیت دارد که دولت افغانستان، با همه ی فراز و نشیب‌های تاریخی، همچنان به عنوان یک واحد سیاسی مستقل در عرصه ی بین‌المللی شناخته می‌شود، حتی اگر حکومت آن دستخوش تغییر شود (خالدي، تاریخ مستند افغانستان، ج ۲، ص ۸۹).

در این فصل، با تکیه بر منابع معتبر علوم سیاسی و نیز قانون اساسی افغانستان (مصوب ۱۳۸۲) و همچنین کتاب «مکتب حکومت‌داری پشتونها» (خالدي، ۲۰۲۶)، به تبیین این سه مفهوم و نسبت آنها با یکدیگر می‌پردازیم. همچنین، با بهره‌گیری از تجارب تاریخی حکومت‌داری پشتون‌ها در هند (از خلجیان تا سوریان)، نشان خواهیم داد که چگونه این مفاهیم انتزاعی، در عمل، در قالب الگوهای مختلف حکومت‌داری (لودی، سوری، درانی) تجلی یافته‌اند (خالدي، مکتب حکومت‌داری پشتون، مقدمه و فصل ۴).

۱. دولت (State)

دولت، بنیادی‌ترین مفهوم در علوم سیاسی و حقوق بین‌الملل است. بر اساس تعاریف کلاسیک، دولت یک نهاد حقوقی-سیاسی پایدار است که دارای چهار عنصر اساسی می‌باشد (بارفیلد، افغانستان: تاریخ فرهنگی و سیاسی، ص ۱۵):

۱. نفوس دائم: گروهی از مردم که به‌طور مستمر در یک قلمرو سکونت دارند.
 ۲. قلمرو مشخص: سرزمینی با مرزهای معین که دولت بر آن حاکمیت دارد.
 ۳. حکومت: نهاد اجرایی قدرت که اداره امور کشور را بر عهده دارد (این عنصر، موضوع بخش بعدی این فصل است).
 ۴. حاکمیت: اقتدار عالی و نهایی دولت بر مردم و قلمرو خود (که در بخش جداگانه‌ای بدان خواهیم پرداخت).
- مطابق ماده ۱ کنوانسیون مونته‌ویدئو (۱۹۳۳)، هر موجودیت سیاسی واجد این چهار شرط، یک «دولت» محسوب می‌شود. دولت، مفهومی عام و انتزاعی است که مستقل از افراد و گروه‌های خاص حاکم، تداوم می‌یابد. برای نمونه، «دولت افغانستان» به عنوان یک نهاد حقوقی، با تغییر رؤسای جمهور و کابینه‌ها، همچنان پابرجا می‌ماند (لی، افغانستان: تاریخ از ۱۲۶۰ تا امروز، ص ۴۵۰).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (مصوب ۱۳۸۲)، که اگرچه اکنون به‌طور کامل اجرا نمی‌شود، اما به عنوان یک سند معتبر حقوقی، «دولت» به‌وضوح تعریف شده است. بر اساس ماده ۱ این قانون، «افغانستان دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می‌باشد». همچنین، مطابق ماده ۴، «حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد» که مردم افغانستان (شامل تمام اقوام) آن را به‌صورت مستقیم یا از طریق نمایندگان خود اعمال می‌کنند (قانون اساسی، مواد ۱ و ۴). این ماده، به‌روشنی منشأ حاکمیت را ملت می‌داند و دولت را به عنوان نهادی که در خدمت اراده ملت است، تعریف می‌کند.

دولت در آئینه «مکتب حکومت‌داری پشتونها»:

از منظر تاریخی، مفهوم «دولت» در میان سلسله‌های پشتون هند (خلجیان، لودیان و سوریان) همواره دستخوش تحول بوده است. در الگوی «لودی» (نظام «اولین میان برابرها»)، دولت بیشتر یک «اتحادیه‌ی قبایلی» بود تا یک نهاد حقوقی انتزاعی. در مقابل، در الگوی «سوری» (شیرشاه سوری)، دولت به عنوان یک «نهاد متمرکز بوروکراتیک» ظهور کرد که فارغ از وفاداریهای قبیله‌ای، بر اساس قوانین مدنی و اردوی حرفه‌ای اداره میشد (خالدی، مکتب حکومت‌داری پشتون، فصل ۴ و ۹). این دوگانه، تا امروز نیز در تاریخ سیاسی افغانستان ادامه دارد و هرگونه تلاش برای دولتنسازي، در واقع، کشمکشی میان این دو الگو است.

۲. حکومت (Government)

«حکومت»، برخلاف دولت، یک نهاد اجرایی متغیر است که در یک بازه زمانی مشخص، قدرت سیاسی را در دست می‌گیرد (بارفیلد، افغانستان، ص ۱۸). حکومت، همان «هیئت دولت» یا «کابینه» است که وظیفه اداره روزمره کشور، اجرای قوانین و تعیین خط‌مشی‌های کلی را بر عهده دارد. اگر دولت، چارچوب حقوقی و ساختار پایداری کشور باشد، حکومت، مجموعه افرادی (رئیس‌جمهور، وزرا و سایر مقامات) است که این چارچوب را در یک دوره خاص به حرکت در می‌آورند.

مهم‌ترین تفاوت‌های دولت و حکومت را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد (خالدی، تاریخ مستند افغانستان، ج ۲، ص ۹۰):

دولت (State)	حکومت (Government)	خصوصیت
نهاد حقوقی انتزاعی	نهاد اجرایی عینی	ماهیت
پایدار و دائمی	موقتی و متغیر	پایداری
با تغییر رهبران تغییر نمی‌کند	با تغییر رهبران و کابینه عوض می‌شود	تغییر
«دولت افغانستان» به عنوان یک واحد سیاسی	«حکومت حامد کرزی» یا «حکومت اشرف غنی»	مثال

در نظام جمهوری اسلامی افغانستان (مطابق قانون اساسی سال ۱۳۸۲)، قوه اجرائیه (حکومت) متشکل از وزاری است که تحت ریاست رئیس‌جمهور انجام وظیفه می‌کنند (قانون اساسی، ماده ۶۰). ماده ۷۵ قانون اساسی، هفت وظیفه اساسی برای حکومت تعیین کرده است که از جمله آنها می‌توان به: «تعمیل احکام قانون اساسی»، «حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی»، «تأمین نظم و امن عامه»، «ترتیب بودجه و تنظیم وضع مالی دولت» و «طرح و تطبیق برنامه‌های انکشافی» اشاره کرد. همچنین، مطابق مواد ۶۰ و ۶۱ قانون اساسی، رئیس‌جمهور به عنوان رأس قوه اجرائیه، با رأی مستقیم مردم و با کسب اکثریت بیش از ۵۰ درصد آرا انتخاب می‌شود و دارای دو معاون اول و دوم می‌باشد.

آرشیف: مطالب نشر شده نور احمد خالدی